

تفسیر سوره

فاشیه

### سیمای سوره غاشیه

این سوره بیست و شش آیه دارد و در مکه نازل شده است. «غاشیه» یکی از نام‌های قیامت است که در آیه اول این سوره و نام سوره نیز قرار گرفته است. همانند دیگر سوره‌های مکی، این سوره نیز به حالات بهشتیان و دوزخیان در قیامت پرداخته و در مقام انذار مشرکان و بشارت به مؤمنان است. آنگاه نشانه‌های قدرت الهی در آفرینش زمین و آسمان و برخی موجودات، بیان شده است، که هم استدلالی بر یگانگی مبدء هستی است و هم دلیلی بر قدرت خداوند بر آفرینش دوباره انسان‌ها در قیامت. و در پایان، پیامبرش را فرمان می‌دهد تا همواره مردم را تذکر دهد و ارشاد کند و البتّه بدانند که قرار نیست همه به او ایمان آورند و خداوند اراده کرده است که انسان‌ها با اختیارشان راه خود را انتخاب نمایند.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿۲﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ  
 ﴿۳﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿۴﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿۵﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ  
 عَآنِيَةٍ ﴿۶﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ ﴿۷﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا  
 يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

(۱) آیا خبر آن حادثه فراگیر به تو رسیده است؟ (۲) در آن روز، چهره‌هایی خوار  
 و زبونند. (۳) با آنکه تلاش کرده و رنج برده‌اند. (۴) (اما) به آتشی سوزان درآیند.  
 (۵) و از چشمه‌ای جوشان نوشانده شوند. (۶) و خوراکی جز خار خشک و تلخ  
 ندارند. (۷) که نه فربه کند و نه گرسنگی راز میان برد.

### نکته‌ها:

- «غاشیه» به معنای پوشاننده است، و منظور از آن، حادثه قیامت است که همه را تحت پوشش قرار می‌دهد. «عامله» به معنای کوشنده و «ناصبه» به معنای کار پر مشقت است که انسان را خسته می‌کند. «حامیه» به معنای بسیار داغ و «آنیة» نهایت درجه سوزندگی است. □ ممکن است مراد از «وجه»، صاحبان وجوه و چهره‌های برجسته باشد، یعنی چهره‌های شاخص هر یک از دو گروه نیک و بد.
- «ضریع» به فرموده پیامبر اکرم ﷺ چیزی است در دوزخ شبیه به خار که از مردار بد بوتر و از آتش داغ‌تر و بسیار تلخ است.<sup>(۱)</sup> شاید گذاردن نام «ضریع» بر این خار به خاطر آن

۱. تفسیر مجمع البیان.

باشد که خوردن آن انسان را به فریاد و تضرع وادار می‌کند.

□ کارهای پر زحمت فراوانی در دنیا انجام می‌شود ولی به خاطر آنکه اخلاص در آن نیست یا طبق دستور الهی انجام نشده است و یا با عجب و غرور و منت و گناه و شرک همراه بوده، حبط می‌شود و هدر می‌رود و در قیامت مورد بهره‌ر قرار نمی‌گیرد.

□ در جهان بینی الهی، عنصر کار باید با عنصر هدف و جهت و عنصر رهبری هم‌سو و مقدس باشند.

### پیام‌ها:

- ۱- حادثه قیامت چنان فراگیر است، که همه باید به فکر آن باشند. ﴿هل اتاك حديث الغاشية﴾
- ۲- هر تلاش و زحمتی، در قیامت مفید نخواهد بود. ﴿عاملة ناصبة﴾
- ۳- تنها گروه مخلص از تلاش‌های خود بهره خواهند گرفت. ﴿لسعيا راضية﴾
- ۴- معاد جسمانی است، زیرا مسئله چاقی و لاغری تنها در مورد اجسام قابل قبول است. ﴿لايسمن﴾

﴿۸﴾ **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿۹﴾ لِّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ ﴿۱۰﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿۱۱﴾ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ**

- (۸) در چنین روزی چهره‌هایی خرم باشند. (۹) از کوشش خود خشنود.  
 (۱۰) در بهشت برین (جای دارند). (۱۱) در آنجا سخن بیهوده‌ای نشنوند.

### نکته‌ها:

□ «ناعمة» به معنای در ناز و نعمت به سر بردن و «لاغية» به معنای گفتار بیهوده است.

### پیام‌ها:

- ۱- شادی و خرمی واقعی، در چهره منعکس می‌شود. ﴿وجوه... ناعمة﴾ رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر.

- ۲- نعمت‌های بهشت و الطاف خاص الهی، از نتایج سعی و تلاش است. ﴿نَاعِمَةٌ لَّسَعِيهَا﴾
- ۳- سختی کار در دنیا زودگذر است ولی شادمانی و کامیابی دائمی در آخرت را به همراه دارد. ﴿لَّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ﴾
- ۴- بهشت، نقطه اعتلای مادی و معنوی است. ﴿جَنَّةٌ عَالِيَةٌ﴾
- ۵- کسانی که در دنیا از لغو دوری کنند، در سرای دیگر، در فضای بدون لغو زندگی خواهند کرد. ﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاَغِيَةً﴾
- ۶- در بهشت نه تنها لغو نیست بلکه کلامی که به نحوی سبب پدید آمدن لغو هم شود وجود ندارد. ﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاَغِيَةً﴾

﴿۱۲﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿۱۳﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿۱۴﴾ وَأَكْوَابٌ  
مَوْضُوعَةٌ ﴿۱۵﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿۱۶﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ

(۱۲) در آنجا چشمه‌ای جاری است. (۱۳) در آنجا تخت‌هایی است برافراشته. (۱۴) و سبوهایی چیده شده (۱۵) و بالش‌هایی ردیف شده (۱۶) و فرش‌هایی گسترده شده.

#### نکته‌ها:

- کلمه «عین» به معنای چشمه، بر یک یا چند چشمه قابل تطبیق است و به دلیل آیه ۱۵ سوره ذاریات، چشمه‌های بهشتی متعدد است. ﴿ان المتقين في جنّات و عیون﴾
- «سُرر» و «سرور» از یک ریشه است. سریر به تختی گفته می‌شود که برای سرور باشد و کلمه «مرفوعة» نشانه جایگاه بلند تخت‌های بهشتی است که بر صحنه‌های دیدنی بهشت اشراف دارد.
- «اکواب» جمع «کوب» بر وزن خوب به معنای قدحی است که دسته ندارد. در سوره واقعه آیات ۱۷ و ۱۸ انواع ظرف‌ها آمده است. ﴿باکواب و اباریق و کأس من معین﴾
- «فمارق» جمع «مفرقة» به معنای بالش و پستی کوچک است. «زرابی» فرش فاخر و زربافت است.

## پیام‌ها:

۱- عظمت چشمه‌های بهشتی قابل شناخت نیست. ﴿فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ﴾ (کلمه «عین» نکره آمده است.

۲- جایگاه بهشتیان، رفیع و بلند است، نه آنکه روی زمین بنشینند. ﴿سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾

﴿۱۷﴾ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۱۸﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ  
كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿۲۰﴾ وَإِلَى  
الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

(۱۷) آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۸) و به آسمان، که

چگونه برافراشته شده (۱۹) و به کوه که چگونه برپا داشته شده (۲۰) و به

زمین که چگونه گسترده شده است؟

## نکته‌ها:

□ اگر روحیه تفکر در انسان باشد، همه هستی کلاس درس است. یک چوپان در بیابان هم گویی در بزرگترین کتابخانه‌های دنیاست؛ زیر پایش زمین است، بالای سرش آسمان، در اطرافش کوهها و جلوی رویش شترها، و اگر در هر یک دقت کند، اسرار بسیاری را کشف می‌کند. مثلاً شتر از اسب بیشتر می‌دود، از الاغ بیشتر بار می‌برد. در میان حیوانات بعضی برای سواری، بعضی برای گوشت و بعضی برای شیر مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی شتر همه چیزش قابل استفاده است. پلک‌هایش در برابر باد و خاک بیابان مقاوم است، در کوهان خود چربی و غذا را ذخیره کرده و در برابر گرسنگی مقاوم است. در بدنش آب را نگهداری کرده و در برابر تشنگی مقاوم است، راه را می‌داند، چنان رام است که صدها شتر تسلیم یک ساربان می‌شوند، کف پای او برای ریگزار آفریده شده، گردن او پله سوار شدن و اهرم بار برداشتن و خلاصه به قول عربها، شتر کشتی بیابانهاست. قوی‌ترین، کم‌خرج‌ترین، پرفایده‌ترین و آرام‌ترین و بردبارترین حیوان است.

□ پیدایش آسمانها و کوهها و زمین تصادفی نیست، بلکه کاملاً حکیمانه آفریده شده و در

جای خود قرار داده شده‌اند.

□ در هر نعمتی یک جهتی برجستگی دارد (در شتر، نحوه‌ی آفرینش؛ در آسمان، بلندی؛ در زمین، گستردگی و در کوهها نحوه‌ی نصب شدن).

□ آسمان‌ها، کرات، مدار کرات، نظم و حساب آنها که هر روز گوشه‌ای از عجایب آنها کشف می‌شود، از عرصه‌های همیشگی مطالعه و کشف و تأمل هستند.

کوه‌ها و ریشه‌های آنها در دل زمین، مثل میخها و حلقه‌های زنجیر زمین را از تزلزل و اضطرابی که در اثر مواد گداخته درون زمین پدید می‌آید، حفظ می‌کنند، برفها را در خود ذخیره نموده و به تدریج روانه می‌کنند، جلو طوفان‌ها را گرفته و سبب تصفیه هوا می‌شوند، مخزن انواع معدن‌ها و مواد صنعتی بوده و علاماتی برای مسافران و بستری برای پرورش بعضی از گیاهان هستند. دیگر کوهها از طریق انواع سنگهای قیمتی و زینتی مثل عقیق یا سنگهای عمرانی همچون مرمر در ساختمان‌ها، سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر برای بشر هستند و خلاصه در این آیات به مسائل جهان‌شناسی و حتی تمام مسائلی همچون کشاورزی، دامداری، صنعت و امور فضایی به نحوی اشاره شده است.

### پیام‌ها:

۱- کسانی که در کشف حقایق هستی عمیق نمی‌شوند، مورد سرزنش خداوند هستند. ﴿افلا ينظرون﴾

۲- از محسوسات عبور کنید تا به معقولات برسید. ﴿افلا ينظرون...﴾

۳- در معاد و نعمت‌های ویژه بهشتیان شک نکنید، مگر آفریده‌های عجیب خدا را در دنیا نمی‌بینید؟ ﴿افلا ينظرون الى الابل﴾

۴- همان گونه که اصل آفریده‌ها دلیل بر وجود خداست، چگونگی و پیچیدگی آفریده‌ها هم دلیل بر قدرت و علم و حکمت اوست. ﴿کیف، کیف، کیف...﴾

﴿۲۱﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿۲۲﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ  
 ﴿۲۳﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿۲۴﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿۲۵﴾  
 إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿۲۶﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

(۲۱) پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنده‌ای، (۲۲) و بر آنان سیطره و تسلطی نداری (که به ایمان آوردن مجبورشان کنی). (۲۳) مگر آن کس که روی گرداند و کفر پیشه کرد. (۲۴) که خداوند او را به بزرگترین عذاب مجازات می‌کند. (۲۵) همانا بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۶) آنگاه حسابشان بر ماست.

### نکته‌ها:

- تذکر برای اتمام حجت است تا کافران در قیامت نگویند: ﴿لولا ارسلت الینا رسولا فتتبع﴾<sup>(۱)</sup> خدایا! چرا برای ما هشدار دهنده‌ای نفرستادی، که از او پیروی کنیم. البته جز صاحبان خرد از این تذکرها پند نمی‌گیرد. ﴿انما یتذکر اولوا الالباب﴾<sup>(۲)</sup>
- در سوره قبل (سوره اعلی) خداوند به پیامبرش دستور تذکر داد و فرمود: تو تذکر بده که هر کس خشیت دارد متذکر می‌شود و افراد شقی از تذکر دوری خواهند کرد و به بزرگترین عذاب گرفتار خواهند شد. ﴿یتجنّبها الاشق الذی یصلی النار الکبری﴾
- در این سوره نیز می‌فرماید: تو تذکر بده ولی بدان که گروهی اعراض خواهند کرد و به عذاب اکبر گرفتار خواهند شد. ﴿الا من تولى و کفر فیعذبه الله العذاب الاکبر﴾ به هر حال «نار کبری» در سوره اعلی و «عذاب اکبر» در این سوره، کیفر کسانی است که تذکر پذیر نیستند و پند و اندرز الهی را پشت گوش می‌اندازند.
- «مُصَيِّرٌ» از «سطر» و «سیطره» به کسی گفته می‌شود که افراد تحت امر خود را به بند می‌کشد و آنان را در جهتی که خود می‌خواهد تنظیم می‌کند.
- امام صادق علیه السلام فرمود: «کلّ امة یحاسبها امام زمانها و یعرف الائمة اولیائهم و اعدائهم

۱. طه، ۱۳۴.

۲. رعد، ۱۹.



بسیاهم»<sup>(۱)</sup> حساب هر امت به عهده امام زمان آنهاست و امامان، دوستان و دشمنان خود را از سیمایشان می‌شناسند، همانگونه که در سوره اعراف چنین آمده است: ﴿و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیاهم﴾<sup>(۲)</sup>

□ در زیارت جامعه خطاب به معصومین علیهم‌السلام نیز می‌خوانیم: «و ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم»<sup>(۳)</sup> رجوع مردم به سوی شماست و حساب مردم با شماست. از امام کاظم و امام باقر و امام هادی علیهم‌السلام نیز این معنا نقل شده است.<sup>(۴)</sup>

□ جمله ﴿الّا من تولّی و کفر﴾، استثناء از جملهی ﴿انما انت مذکر﴾ است. یعنی ای پ (یا مبر) تو تذکر دهنده‌ای، جز آن که کفر ورزد، که تذکر تو در او اثری ندارد.

□ امام باقر علیه‌السلام فرمود: مراد از عذاب اکبر، عذاب شدید و ابدی است.<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

۱- پیامبر، مأمور به وظیفه است نه نتیجه. ﴿انما انت مُذکّر﴾ (پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت مردم اهتمام و حرص داشت و خداوند به او فرمود: وظیفه تو فقط تذکر است).  
 ۲- وظیفه پیامبران، تذکر است نه تسلط و تحمیل عقیده. ﴿لست علیهم بمصیطر﴾  
 ۳- بی‌اعتنایی مردم، وظیفه را ساقط نمی‌کند. ﴿انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر﴾  
 ۴- منشأ کفر، عناد و لجاجت و روی گردانی از حق و حقیقت است. ﴿من تولّی و کفر﴾

۵- قهر خدا درجاتی دارد. ﴿العذاب الاکبر﴾

۶- فرار از قهر الهی برای هیچکس امکان ندارد. ﴿انّ الینا ایاهم﴾

۷- حسابرسی از سنت‌هایی است که خداوند بر خود واجب کرده است. ﴿انّ علینا

حسابهم﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»

۱. بحار، ج ۸، ص ۳۳۹. ۲. اعراف، ۴۶. ۳. مفاتیح الجنان.  
 ۴. تفسیر المیزان. ۵. تفسیر نورالثقلین.